



این مصاحبه در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲ توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی با حجت الاسلام والمسلمین دکتر نوبهار انجام شده است.

به طور کلی از حیث نظری، از منظر حقوقی نقش اصول و ارزشهای اخلاقی در شکل گیری، تحکیم و تقویت و رشد و ارتقاء موازین حقوقی مربوط به انتخابات در چه حدی است؟

پاسخ: برای من مفهوم این سوال قدری مبهم است؛ چون نقش اصول و ارزشهای اخلاقی در شکل گیری و تحکیم قواعد حقوقی بحث مهم و روشنی است؛ ولی اینکه این امر را از منظر حقوقی بنیم محل تامل است به نظرم باید از منظر جامعه شناسی این امر را تحلیل کرد. مسلماً راه اصلاح جامعه فقط وضع قواعد حقوقی نیست. بسیاری از اصول و ارزشهای حقوقی به نوعی همان ارزشهای اخلاقی هستند. در واقع در پشتیبانی و حمایت از قواعد حقوقی و در ایجاد یک نوع ضمانت اجراهای درونی و وجدانی برای موازین حقوقی، معیارهای اخلاقی موثر و کارآمدی دارند. بنابراین نباید گمان ببریم که تنها ارزشهای حقوقی اصلاح گر جامعه اند؛ بلکه ارزشهای اخلاقی چون بخشی از ارزشهای مهم جامعه هستند می توانند به کمک قواعد حقوقی بیایند. بنابراین ارزشهای اخلاقی در مقوله انتخابات می توانند موثر واقع شوند.

۲. با توجه به نظام حقوقی ایران که مبانی و چارچوب های آن در قانون اساسی متبلور شده است ارتباط اخلاق و قواعد حقوقی مربوط به انتخابات چگونه قابل تبیین می باشد؟

پاسخ: اخلاق و حقوق آن قدرها که گاه ادعا می شود از همه جدا نیستند. البته در عالم نظر، نظریه های مختلفی وجود دارد. به نظر می رسد ارتباط این دو بسیار ریشه دار است. در قانون اساسی ما اینکه مردم بر سرنوشت خود مسلط هستند مورد تاکید قرار گرفته است. این هم از قواعد اخلاقی است و هم از قواعد حقوقی. چنانکه تسلط امام جائر در منابع دینی ما هم غیر اخلاقی و هم غیر حقوقی است. در قانون اساسی ما جدایی بین قواعد اخلاقی و حقوقی وجود ندارد. به این معنا که چنین نیست که اصول حقوقی ما مانند برخی کشورها در آن موازین اخلاقی دیده نشده باشد.

۳- بستر اجتماعی ایران در شکل یک کالبد کلی یا هویتی متشکل از اجزای مختلف اعم از طبقات اجتماعی، گروههای صنفی، جریانات سیاسی و امثالهم از حیث نوع نگرش به نظام حقوقی مربوط به انتخابات و میزان اجرای قواعد اخلاقی در این زمینه چه وضعیتی دارد؟ برای شناسایی وضعیت چه معیارها و سنجه هایی قابل بهره برداری هستند؟

پاسخ: به نظرم وضع مطلوبی نداریم. ما نباید تنها به آمار انتخابات های برگزار شده دلخوش کنیم. باید کیفیت انتخابات را نیز به طور جدی مد نظر قرار دهیم. همین حد که در انتخابات ها، چالش ها، بگو مگوها و اعتراضات متعدد مطرح می شود حاکی از نشانه های قابل تامل است. توجه به همین عنصر کافی است که دریابیم نظام حقوقی انتخابات ما نیازمند اصلاحاتی است. همین گفته در مورد وضع اجرای قواعد اخلاقی در جامعه ما نیز صادق است و در انتخاباتهای مختلف متاسفانه خیلی موارد نقض قواعد اخلاقی را تجربه کرده ایم.

در مورد معیارها و سنجه ها در کتب حقوقی معیارها به صورت مفصل آمده است. بنظرم باید

معیارهای عینی متعدد را مد نظر قرار داد؛ مثلا احساس آرامش مردم در مورد واقعی بودن انتخابات یک سنجه مهم است، وضعیت کاندیداها و احساس آنها که چقدر می توانند در یک فضای انتخابات واقعی و بی طرف وارد شوند معیار مهم دیگر است. قابل پیش بینی بودن نتایج انتخابات از حیث انطباق با نظر مردم نیز سنجه قابل توجهی است و لزوما منفی نیست. به این معنا که وقتی ساختارها و نهادها به نحوی طراحی شده باشند که نتیجه آرای مردم نمود واقعی در انتخابات پیدا کند و دگرگونی های عجیب و غریب نمود نیابد و امکان موج سواری های چند روزه فراهم نباشد ، نکته مهمی است.

۴- نوع نگرش کلی مسئولین مختلف دست اندرکار در انتخابات در قبال اصول و ارزش های اخلاقی در کنار قواعد حقوقی مربوطه چه وضعیتی دارد؟ برای تبیین نکات مثبت و منفی وضعیت موجود چه معیارها و سنجه هایی پیشنهاد می شود؟

پاسخ: متأسفانه در جمهوری اسلامی ایران مشکلی که از آغاز انقلاب با آن مواجهیم این است که برخی گروهها و جریان ها در واقع اهمیت رأی مردم را نفهمیده اند. این یک واقعیت تلخ است. در کشور ما جریان هایی وجود دارند که رای مردم را به چشم زیور و زینت صحنه انتخابات می نگرند و آن را ابزار می بینند. به اعتقادم این دیدگاه باید متحول شود و به سمت دیدگاه حضرت امام حرکت کنیم که بارها تاکید می کردند مردم نیاز به قیم ندارند و حق دارند در امور اجتماعی خود مشارکت کنند، رقابت کنند و این جزو حقوق آنهاست که در قانون اساسی نیز به رسمیت شناخته شده است و مردم می توانند از پایین ترین تا بالاترین سطوح را برگزینند. در مورد اینکه چه معیارهایی را می توان به کار گرفت، درصد شرکت کنندگان، اطمینان مردم از درست بودن انتخابات، اطمینان افراد صاحب صلاحیت دراینکه میتوانند پا به عرصه انتخابات بگذارند. (واقعیت تلخ فعلی را نباید نادیده گرفت که خیلی از افراد صاحب صلاحیت متأسفانه در شرایط مسموم پا به عرصه نمی گذارند) در مجموع باید یادآور شد که معیارها در کتب حقوقی به صورت تفصیلی بیان شده است .

۵- برای شناسایی مبانی و ریشه های وضعیت مثبت یا منفی موجود در جامعه ما در قبال اصول و ارزشهای اخلاقی در کنار قواعد حقوقی مربوط به انتخابات، چه مواردی دارای اولویت توجه می باشند؟

پاسخ: ما باید حق-محوری و حق-مداری انتخابات را درک کنیم. باید سعی کنیم دامنه انتخاب مردم را توسعه دهیم نه اینکه دائما درصد محدود سازی برآئیم. اگر این را توجه نکنیم زمینه بسیاری از رفتارهای غیر اخلاقی فراهم می شود.

۶. آیا در سیاستگذاری های مربوط به پیشگیری از جرم و خلاف در سطح جامعه، می توان نقشی برای موارد غیر قانونی و غیر اخلاقی مربوط به حیطه انتخابات لحاظ کرد؟ در جمهوری اسلامی ایران آیا سیاست جنایی به این موارد توجه کرده است؟

پاسخ: بلی مطمئنا . ما می توانیم تخلف هایی که در ارتباط با انتخابات صورت می گیرد را به دو دسته تقسیم کنیم . تخلفاتی که رنگ وب وی جرم دارند و مستقلا یک عنوان مجرمانه تلقی می شوند. دوم، تخلفاتی که حالت مجرمانه وحتى غیر قانونی ندارند؛ ولی رفتاری غیر اخلاقی هستند. در واقع به دلیل اینکه استفاده از حقوق کیفری دارای محدودیت هایی است و نمی توانیم برای برخورد با همه ناهنجاری ها با ابزار قواعد کیفری برخورد کنیم طبیعتا برخی موارد رفتارهای غیر اخلاقی هم چنان از دامنه اعمال حقوق کیفری خارج می مانند. برخی موارد نیز ممکن است غیر قانونی باشند و ضمانت اجراهای مدنی برای جلوگیری از تخلفات مربوطه متوجه آنها شوند.

در مورد قسمت اخیر سوال، به نظرم قانون انتخابات ما به رغم کاستی هایی که دارد از این حیث در مجموع قانون خوبی است و جرم انگارهایی که انجام شده خوب بوده و در راستای صیانت از آراء مردم است . مشکل این است که بسیاری از تخلفات در جامعه ما به معنای واقعی کلمه جرم تلقی نشده است و هنوز تخلفات انتخاباتی هنوز قبح لازم را پیدا نکرده است. اگر بررسی کنیم شاید کمتر برخورد کنیم که کسانی به عنوان مجرم انتخاباتی محاکمه شده و مجازات شده

باشند. این به نظرم ناشی از نوعی کاستی در فرهنگ جامعه ماست که هنوز قبح این موارد را باور نکرده ایم؛ علیرغم اینکه در قوانین، جرم انگاری شده است. این نشان می دهد که نقش حقوق کیفری علیرغم اهمیت قابل توجه، یک نقش تعیین کننده نیست و نباید گمان برد با لحاظ یکسری مصادیق به عنوان جرم دیگر شاهد تخلفات نخواهیم بود. احتیاج به یک سری بسترسازی های فرهنگی داریم تا همان طور که تجاوز به اموال مردم را جرم می دانیم مواردی مانند تعدی به آرای مردم، بی اثر کردن آرای مردم، ابطال رای مردم، جلوگیری از ورود افراد صاحب صلاحیت را نیز تعدی به حقوق مردم بدانیم و مصادق نقض حق الناس قلمداد کنیم .

۷. نقش ضمانت اجرای کیفری در نهادینه سازی اصول و ارزشهای اخلاقی مربوط به انتخابات در چه حدی است؟

پاسخ: بایستی عرض کنم که حقوق کیفری و ضمانت اجرای کیفری در این زمینه اصولاً بی نقش نیستند. همیشه گفته می شود که یکی از کارکردهای حقوق کیفری در هر جامعه ای این است که ارزشهای مورد احترام جامعه را اعلام و حمایت می کند. لذا اگر ما به مقررات جزایی هر کشور مراجعه کنیم دسته هایی از ارزشهای مورد احترام جامعه را می توانیم ببینیم و بسته به نوع ضمانت اجرای کیفری میزان اهمیت آن جامعه به ارزشها را نیز تشخیص دهیم. در عین حال باید توجه کنیم که نقش حقوق کیفری در نهادینه سازی ارزش های اخلاقی به طور عام یک نقش محدود است. حقوق کیفری محدودیت هایی دارد که همواره نمی توانیم در سطح گسترده از آن به عنوان یک ابزار استفاده کنیم. برابر اصول مسلم پذیرفته شده کیفری ، عقلای عالم پذیرفته اند که حقوق کیفری آخرین چاره و درمان است. این برخلاف آن چیزی است که متاسفانه در جامعه ما دیده می شود که گمان می رود کیفر و مجازات اکسیر عظیمی است که هر خاکی را به طلا تبدیل می کند. امروزه در محافل علمی جهانی گفته می شود که حقوق کیفری آخرین تدبیر است بنابراین باید اقدامات قبلی را اهمیت داد. اصل ضرورت یا اصل فرعی بودن حقوق کیفری اصل مهمی است که استدلال های فلسفی، تاریخی، تجربی، اقتصادی بر جسته ای را

پیشوانه خود دارد. فکر می‌کنم در دیدگاه‌های اسلامی نیز مساله از همین قرار است. اگر یک معضل یا یک ناهنجاری اجتماعی از راهی دیگر جز مجازات و تنبیه قابل رفع باشد مطمئناً موازین اسلامی به ما اجازه رجوع به مجازات را نمی‌دهند؛ چرا که اعمال هر گونه مجازات، اعمال سلطه و ولایت بر دیگری است؛ و در منابع اسلامی اصل بر عدم سلطه است، مگر در مواردی که دلیل آن متقن و قطعی باشد. به همین دلیل فقها در مباحث تعزیرات می‌گویند: اگر فرد متخلف با روشهای دیگر متنبه می‌شود نباید به سمت کیفر رفت. در عین حال نمی‌توانیم انکار کنیم که در مورد ارزشهای مورد احترام جامعه ما ناگزیر به حقوق کیفری نیز هستیم. واقعیت عمل نوع کشورها نیز این را نشان می‌دهد. از همین رو، جرایم انتخاباتی امروزه در همه کشورها بخشی از جرایم کشورها هستند. آنچه مهم است اینکه ما در این زمینه دقیق عمل کنیم. فهرست جرایم انتخاباتی باید یک فهرست حداقلی باشد و در عین حال در جهت صیانت از آرای مردم باشد و تلاش بیشتری شود که در وضع مجازات‌ها مساله محرومیت از شرکت در انتخابات هر چه کمتر به عنوان یک مجازات پیش بینی شود.

۸. مواردی که در قوانین انتخاباتی کشور به عنوان جرم پیش بینی شده است چه تأثیری در بروز یا عدم بروز رفتارهای اخلاقی یا غیر اخلاقی از ناحیه مسئولین ذیربط یا طیف‌های مختلف مردمی دارند؟

پاسخ: همان‌طور که عرض کردم قوانین کیفری افزون بر نقش اعلامی نقش تعلیمی نیز دارند. وقتی به مردم آموزش می‌دهیم که این رفتارها جرم است و خلاف اخلاق نیز هستند این یکی از کارکردهای حقوق کیفری است. اما در این زمینه نیز نباید دچار مبالغه شد و تصور کرد با تعیین یکسری مصادیق جرایم دردها درمان می‌شود. اینکه مسئولین انتخابات تا چه حد قوانین را رعایت؛ مردم آموزش داده شوند؛ چقدر نسبت به تخلفات حساسیت نشان داده شود و موارد مشابه باعث می‌شود که میزان کارآمدی قانون جرایم انتخاباتی را بتوان معین کرد.

۹- آیا می توان از قانون اساسی یک سری اصول کیفری را استخراج کرد که این اصول در قوانین انتخاباتی و در منشورهای اخلاقی مربوطه می بایست به عنوان معیار و پایه مد نظر قرار گیرند؟

پاسخ: من بعید می دانم که قانون اساسی چنین شأنی داشته باشد؛ یعنی در مقام بیان اصول کیفری باشد که بتوانند ما را از تدوین معیارها در مقوله مورد بحث بی نیاز سازند. بنظر می رسد باید به کتب فنی حقوقی تشریحی رجوع کرد. این امر نیازمند کار اجتهادی علمی است چنانکه به بخشی از آنها در جواب سوال ۷ اشاره کردم. البته مطمئنا قانون اساسی جهت گیری کلی را به ما می دهد، مثلا اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها به ما یاری دهد که در جرایم انتخاباتی نیز باید به این جهت گیری دقت کنیم. به نظرم در جامعه ما نیاز است که برخی جرایم انتخاباتی را برجسته کنیم و به مردم اعلام کنیم که تعدی به این موارد همانند دیگر تعدی ها باید منفی و مطرود تلقی شوند. این کاستی فرهنگی را باید چاره کرد. بخشی از این کاستی با قوانین خوب و بخشی با کار فرهنگی و از همه مهمتر با عمل مسئولین دست اندرکار رفع می شود.

۹- آیا از منظر جزایی، خلاء ها و چالشهایی در نظام حقوقی یا در رفتار اجتماعی عناصر ذی مدخل در انتخابات، قابل شناسایی هستند که بتوان با ضوابط مجموعه های اخلاقی و کدهای رفتاری مربوطه آن خلاء ها و چالشها را رفع کرد؟

پاسخ: مسلما کاستی هایی در این باره وجود دارد که به بخشی از آنها اشاره کردم. بنده همچنان بر حق- محوری تاکید دارم. اگر حق به انتخاب کردن و انتخاب شدن جا بیفتد و در عمل اجتماعی ما شناسایی و متبلور شود هم بر بسیاری از کاستی ها فائق می آئیم و هم از متورم شدن قوانین کیفری جلوگیری می شود. این کار البته در دراز مدت و با حوصله باید انجام شود تا به تدریج چالش ها رفع شوند.

والحمد لله رب العالمین